

تاریخ، ادبیات و الهیات عهد جدید

جلسه ۸: مقدمه‌ای بر انجیل متی، بخش ۳

نوشته دکتر تد هیلدبرانت

A. مقدمه و پادشاهی آخرالزمانی [۲:۴۷-۰۰:۰۰]

یک آگهی ترکیبی؛ ۰۰:۰۰-۱۲:۴۸ قبلاً اما نه هنوز پادشاهی

ما در مورد مرور کتاب متی صحبت می‌کردیم و در مورد روشمند بودن متی صحبت کردیم، در مورد شاگردی در متی و هزینه آن، شاگردی واقعی و دروغین صحبت کردیم. در مورد عدالت و فهم از معلم بزرگ صحبت کردیم و از شاگردی یا رسالت به الهیات مسیح رسیدیم و در مورد الوهیت مسیح و شفای او به عنوان شفادهنده و جنبه‌های مختلف مسیح که در کتاب متی به عنوان موسی جدید یا اسرائیل جدید از آنها صحبت کردیم، صحبت کردیم. اکنون ما با این مفهوم پادشاهی آسمان در کتاب متی کار می‌کنیم. بنابراین می‌خواهم در مورد پادشاهی آسمان صحبت کنم. آیا یحیی تعمید دهنده را به خاطر دارید که گفت: "پادشاهی آسمان نزدیک است!" و بنابراین ما قصد داریم با استفاده از این مفهوم پادشاهی آسمان با متی کار کنیم. او این را سی و دو بار در کتاب متی می‌گوید. این در تضاد با کتاب مرقس است که از پادشاهی خدا استفاده می‌کند و ما گفتیم که اساساً تغییری از کلمه «خدا» وجود داشته است، احتمالاً برای مخاطبان یهودی‌تر، که «بهشت» به عنوان یک عبارت ضمنی و به عنوان کنایه برای پادشاهی آسمان به جای پادشاهی خدا، روش مناسب‌تری بوده است.

حالا کاری که می‌خواهم انجام دهم این است که فقط در مورد مفهوم پادشاهی آسمان صحبت کنم و این برای مردمی که متی برایشان می‌نویسد، موضوع مهمی خواهد بود. به نظر من، پادشاهی آسمان با موضوع امید مرتبط است. شما به چه چیزهایی امید دارید، و چگونه آن امید را تصور می‌کنید، و چگونه آن امید را با چیزهایی که به آنها امید داشتید، تکمیل می‌کنید؟ بنابراین ما می‌خواهیم روی این پادشاهی آسمان و اینکه آنها چگونه در مورد آن فکر می‌کردند و به آن امید داشتند، کار کنیم، همانطور که پادشاهی آخرالزمانی را در نظر می‌گرفتند. آخرالزمان مطالعه آخرالزمان است. *آخرالزمان* به معنای پایان است، و آخرالزمان مطالعه چیزهایی مانند کتاب مکاشفه و دانیال، آن نوع کتاب‌های آخرالزمانی است. پادشاهی آخرالزمانی به معنای پادشاهی آینده و آینده‌ای است که امید را فراهم می‌کند. من فقط می‌خواهم به این نوع انتظارات نگاه کنم. متی برای یهودیان می‌نویسد. آنها چه نوع انتظاراتی داشتند؟ چه نوع امیدی داشتند؟

B. انتظارات از پادشاهی [۲:۴۷-۱۱:۵]

اولین مورد، حکومت داوود است و ما در مورد آن صحبت کردیم، اینکه عیسی مسیح پسر داوود است و یهودیان به دنبال پسر داوود بودند تا بر اسرائیل حکومت کند، همانطور که در دوم سموئیل فصل ۷ آمده است:

پسر داوود بر تخت سلطنت خواهد نشست تا با عدالت و انصاف تا ابد بر آنها حکومت کند «بنابر این وقتی» یهودیان به این پادشاهی آخرالزمانی فکر می‌کردند، این پادشاه بزرگ، پسر داوود، را داشتند که در آن زمان، یوغ روم را از سر آنها برمی‌داشت و - آنها توسط رومیان سرکوب می‌شدند و مجبور بودند مالیات و انواع و اقسام چیزها را بپردازند. رومیان بر فرهنگ آنها تسلط داشتند - و وقتی پسر داوود بیاید، عدالت را برقرار می‌کند و حکومت روم را از سر آنها می‌ریزد. بنابر این با پسر داوود، آنها به دنبال این حاکم مسیحایی بودند که بیاید و یوغ روم را از سر آنها بردارد. زیلوت‌ها این را به حد افراط رساندند و در واقع شمشیر به دست گرفتند و بیرون رفتند و سعی کردند نوعی زیلوت را به روشی بسیار فیزیکی به انجام برسانند. اما حکومت داوود یکی از امیدهای آنها بود که در عهد داوود در دوم سموئیل ۷ بنا نهاده شده بود.

بازگشت اسرائیل به سرزمین موعود یکی دیگر از امیدهای بزرگ آنها بود. این یکی از عهد ابراهیمی (پیدایش ۱۲) (سرچشمه می‌گیرد. به یاد دارید که در عهد عتیق گفتیم که عهد ابراهیمی سرزمینی بود که آنها سرزمین موعود را به دست خواهند آورد. بنابر این قوم یهود به آن سرزمین بسیار وابسته هستند زیرا آن سرزمین توسط خدا به ابراهیم وعده داده شده بود. سرزمین، نسلی که نسل ابراهیم - به اندازه ستارگان آسمان، به اندازه شن‌های ساحل دریا - تکثیر می‌شد و ابراهیم برای همه ملت‌ها سودمند بود. بنابر این سرزمین، نسل و برکت، که او برای همه ملت‌های زمین برکت خواهد بود. این عهد ابراهیمی بود. بنابر این آنها عهد ابراهیمی و داوودی را دیدند و به دنبال این پادشاهی مسیحایی بودند که در آن این عهدها محقق شود، جایی که آنها یک حاکم داوودی داشته باشند و نسل ابراهیم را در سرزمین، سرزمین موعود، داشته باشند، که برای همه ملت‌ها سودمند و برکت‌آور باشد.

و در آخر، مفهوم صلح مطرح می‌شود. آنها انتظار داشتند که صلح برقرار شود و در سرزمین صلح برقرار شود. بنابر این، بسیاری از انتظارات برای این پادشاهی آینده، این پادشاهی آخرالزمانی، اینگونه خواهد بود.

ج. در حال حاضر، اما نه هنوز و ورود به پادشاهی [8:58-5:11]

با این حال، جنبه دیگری از این پادشاهی وجود دارد. این چیزی است که ما آن را «از قبل» می‌نامیم. می‌خواهم این مفهوم را معرفی کنم - در واقع من این را از شخصی به نام دکتر دیوید متیوسون، که قبلاً با او تدریس می‌کردم، دیدم، این مفهوم «از قبل، اما نه هنوز». «و دیو واقعاً به درک ادبیات آخرالزمانی و آخرالزمانی علاقه داشت. او با مفاهیم جورج لدون کار می‌کرد که این مفهوم «از قبل، اما نه هنوز» را توسعه داد. بنابر این، پادشاهی، قریب‌الوقوع است. پادشاهی آسمان نزدیک است. قریب‌الوقوع است. تقریباً آماده عبور از در است. این قریب‌الوقوع بودن، حضور پادشاهی، اینجا و اکنون است. بنابر این در متی ۲:۳: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» «به نظر می‌رسد که توبه کلید ورود به پادشاهی آسمان است. یوحنا در متی فصل ۳ می‌گوید: «توبه کنید، زیرا پادشاهی آسمان نزدیک است.» اگر به لوقا فصل ۱۷، آیه ۱ مراجعه کنید، فکر می‌کنم

آیه جالبی باشد. در آن آمده است: «پادشاهی خدا با مشاهده دقیق شما نمی‌آید و مردم نخواهند گفت که اینجا یا آنجاست، زیرا پادشاهی خدا در درون شماست.» بنابراین در اینجا این تصور را دارید که پادشاهی خدا در درون آنهاست. پادشاهی از بیرون نمی‌آید. پادشاهی خدا در درون آنهاست و حضور پادشاهی. پادشاهی از قبل اینجاست. کار پادشاه از قبل آغاز شده است؛ شما معجزات را می‌بینید، عیسی را در حال شفا دادن و راه رفتن روی آب می‌بینید. پادشاهی از قبل اینجاست. این تبدیل هیئت است. پادشاهی در درون شماست. این حکومت پادشاه بر زندگی شماست. پادشاهی خدا در درون شماست. بنابراین به نظر می‌رسد که این قریب‌الوقوع بودن و این حضور، این از قبل وجود داشتن پادشاهی وجود دارد. جنبه‌هایی از پادشاهی از قبل اینجا هستند.

جنبه‌ی دیگر این است که به نظر می‌رسد ورودی، در فصل ۲۱، متی ۲۱:۳۱ باشد - این را بررسی کنید ورودی پادشاهی به نظر توبه و ایمان است. در متی ۲۱:۳۱، آمده است: «عیسی به آنها می‌گوید: به شما - می‌گویم که خراجگیران و فاحشه‌ها وارد پادشاهی خدا می‌شوند (همین الان، از قبل - پادشاهی از قبل در حال شکل‌گیری است) (که پیش روی شماست) «آنها در حال انجام این کار هستند،» زیرا یحیی آمد تا راه عدالت را به شما نشان دهد و شما به او ایمان نیاوردید، اما خراجگیران و فاحشه‌ها ایمان آوردند، و حتی پس از دیدن این، توبه نکردید و به او ایمان نیاوردید.» بنابراین دسترسی برای خراجگیران و فاحشه‌ها فراهم بود. چرا؟ زیرا آنها توبه کردند و به پیام یحیی ایمان آوردند. اما این افراد، فریسیان، صدوقیان یا هر کسی که او با او صحبت می‌کند، ایمان نیاوردند و توبه نکردند و پیام را رد کردند. بنابراین، پادشاهی آسمان، که از نظر ورودش در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد، و حضورش به این صورت است که باجگیران و فاحشه‌ها وارد می‌شوند.

د. در حال حاضر اما نه هنوز و تمثیل‌های پادشاهی [۱۲:۴۸-۸:۵۸]

حال، بسیاری از تمثیل‌های پادشاهی ذکر شده‌اند. به آنها تمثیل‌های پادشاهی می‌گویند. برخی از دانه‌ها در مسیری که مردم راه می‌روند می‌افتند و لگدمال می‌شوند. برخی دیگر در خاک کم‌عمق یا خاک سنگلاخی می‌افتند و کمی بیرون می‌آیند، اما جایی برای ریشه‌ها وجود ندارد و بنابراین خشک و پژمرده می‌شوند. برخی از دانه‌ها با علف‌های هرز روی زمین می‌افتند و علف‌های هرز رشد می‌کنند و خیلی خوب رشد می‌کنند و سپس علف‌های هرز آن را خفه می‌کنند. سپس دانه‌های دیگر در خاک خوب می‌افتند. بنابراین تمثیل، بذکار یا خاک‌ها افرادی مانند این مرد هستند. بنابراین شما این چهار خاک مختلف را که شرح داده شده است، تمثیل‌های پادشاهی را دریافت می‌کنید. این تمثیل نحوه دریافت انجیل در حال حاضر است. بنابراین در اینجا مورد دیگری دارید که پادشاهی از قبل وجود دارد. همانطور که انجیل در حال گسترش است، پادشاهی از قبل نیز اینگونه است. برخی از آن در مردم ریشه می‌گیرد، برخی دیگر نه.

حالا گندم و علف‌های هرز را بردارید. آن مرد بیرون می‌رود و گندم خوب در مزرعه می‌کارد. وقتی او خواب است، دشمنی می‌آید و علف‌های هرز را می‌کارد. وقتی خدمتکاران علف‌های هرز یا علف‌های هرز را

می‌بینند، می‌گویند: «باید از میان آنها عبور کنیم و علف‌های هرز را بیرون بکشیم.» ارباب می‌گوید: «نه - اگر علف‌های هرز را بکنید، به گندم نیز آسیب می‌رسانید و ما آن را در زمان برداشت از هم جدا می‌کنیم.» در زمان برداشت، او خدمتکاران خود را می‌فرستد و آنها گندم را درو می‌کنند و علف‌های هرز در آتش ابدی سوزانده می‌شوند و گندم در پادشاهی او جمع می‌شود. بنابراین این مخلوط کردن گندم و علف‌های هرز - این پادشاهی است که از قبل اینجا وجود دارد.

تمثیل گوسفندان و بزها در متی ۲۵، جدا کردن گوسفندان در سمت راست و بزها در سمت چپ است. این در مورد داوری نهایی، ورود به پادشاهی است که هنوز نیامده است. بنابراین به نظر می‌رسد این پادشاهی وجود دارد که از قبل وجود دارد و پادشاهی وجود دارد که هنوز نیامده است. بنابراین وقتی با پادشاهی کار می‌کنید - متیسون همیشه در کلاس خود می‌گفت، به دانش‌آموزانش می‌گوید که "اگر فقط به این سوال پاسخ دهید که "در حال حاضر، اما هنوز نه" در درس او ۸۰ درصد می‌گیرید "زیرا او زیاد در مورد آن صحبت می‌کند. من فکر می‌کنم او در آنجا به چیزی واقعاً بزرگ اشاره می‌کند. این یک مفهوم عظیم است. پادشاهی از قبل وجود دارد و پادشاهی خدا در درون شماست. و با این حال، پادشاهی هنوز در گوسفندان و بزها نیامده است و ما دعا می‌کنیم، "پادشاهی تو بیاید." بنابراین تمثیل‌های پادشاهی، جنبه دیگری از متی است که توسعه می‌یابد.

جنبه‌ی هنوز نرسیده‌ی پادشاهی، درباره‌ی پادشاهی آینده - آخرالزمان - صحبت می‌کند. پادشاهی تو بیاید، همانطور که در آسمان است، بر زمین نیز انجام خواهد شد. «بنابراین ما در دعای ربانی دعا می‌کنیم - این چیزی است که ما برای آن دعا می‌کنیم، که پادشاهی همانطور که در آسمان است، بر زمین نیز بیاید. بنابراین شما این جنبه‌ی هنوز نرسیده‌ی پادشاهی را دریافت می‌کنید. پادشاهی هنوز اینجا نیست. ما برای آمدن آن دعا می‌کنیم. پایانی که ما با گوسفندان و بزها به آن اشاره کردیم، و اینکه چگونه خود به خود محقق می‌شود.

حالا ندیمه‌ها - ده ندیمه در فصل بیست و پنجم را به خاطر دارید؟ پنج نفرشان عاقل و پنج نفرشان نادان بودند. و پنج نفر نادان روغن کافی نداشتند و بنابراین ارباب می‌آید و در حالی که پنج نادان می‌دوند تا مقداری روغن بردارند، ارباب می‌آید و با پنج نفر عاقلی که روغن داشتند وارد می‌شود و پنج نفر دیگر بعداً از راه می‌رسند. او می‌گوید: «نه، ببخشید که خیلی دیر کردید.» و بنابراین این نوع اکتشاف یا آمدن پادشاهی در آینده اتفاق می‌افتد. حالا، این به چه معناست؟

ه. آیا کسانی که اینجا ایستاده‌اند آن را خواهند دید؟ [۴۸:۱۲-۴۵:۱۴]

؛ ۴۸:۱۲-۲۱:۱۵؛ تأخیر و آمدن مسیح EG ب: ترکیب آیات

این آیه در متی ۱۶:۲۸، آیه جالبی است و من فقط می‌خواهم این را برای شما بخوانم. برخی گفته‌اند که این آیه در واقع یک اشتباه در عهد جدید است، که عیسی در واقع این را اشتباه گفته است. عیسی می‌گوید: «من به شما حقیقت را می‌گویم.» این درست بعد از قسمتی است که عیسی می‌گوید: «اما هر که بخواد جان خود را نجات

دهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را برای من از دست بدهد، آن را خواهد یافت. و چه سودی برای انسان دارد که دنیا را به دست آورد، اما جان خود را از دست بدهد؟ زیرا پسر انسان در جلال پدرش، به همراه فرشتگانش خواهد آمد و سپس به هر کس بر اساس آن پاداش خواهد داد -> چگونه به هر کس پاداش خواهد داد؟>> بر اساس آنچه انجام داده است.>> تأکید اینجا بسیار جالب است. او اکنون می‌گوید: «من به شما حقیقت را می‌گویم: برخی از شما که اینجا ایستاده‌اید، طعم مرگ را نخواهید چشید تا زمانی که پسر انسان را در پادشاهی خود ببینید.» و بنابراین او اکنون به برخی از آنها می‌گوید، برخی از نویسندگان، پس، با این موضوع مشکل دارند. و این به چه معناست که برخی از شما تا زمانی که آمدن پادشاهی او را نبینید، با مرگ روبرو نخواهید شد؟ برخی از نویسندگان می‌گویند که عیسی اشتباه کرد. او آن را از دست داد، آنها مردند. او برنگشت. بنابراین این یک تراژدی بزرگ در کلیسای اولیه بود. عیسی به آنها گفته بود که قبل از مرگ آنها باز می‌گردد. آنها مردند. او هرگز ظاهر نشد. بنابراین این یکی از آن چیزهایی است که عیسی و شاگردانش از دست دادند - این یکی از ویژگی‌های ناموزون کلیسای اولیه است. آنها می‌گویند: «اینجا چه اتفاقی افتاد؟ عیسی برنگشت.» بنابراین آنها باید این الهیات را بسازند. این چیزی است که برخی افراد می‌گویند.

و پاسخ احتمالی به متی ۲۸: ۱۶ - موعظه، پنطیکاست و رستاخیز [۱۸: ۲۹-۱۴: ۴۵]

هم برای این موضوع وجود دارد، و من اساساً به سه مورد فکر می‌کنم که به نظرم قابل قبول هستند.

یکی گسترش انجیل است، اینکه برخی از شما پسر انسان را در پادشاهی خود خواهید دید. یعنی از طریق موعظه انجیل، آنها استقرار پادشاهی خدا را در حال حاضر بر روی زمین، از طریق گسترش انجیل، خواهند دید. کتاب اعمال رسولان روایت می‌کند که از پنطیکاست، گسترش انجیل از طریق پولس رسول، تا سفرهای مختلف تبلیغی در کتاب اعمال رسولان. بنابراین گسترش انجیل یکی از جنبه‌های آن بود. و سپس، اجازه دهید فقط به مورد بعدی، رستاخیز، بپردازم. برخی فکر می‌کنند که این مربوط به رستاخیز و عروج عیسی است. حال، رستاخیز چگونه از عروج جدا است؟ رستاخیز اتفاق می‌افتد، عیسی بر روی صلیب می‌میرد و سپس سه روز بعد عیسی از مردگان قیام می‌کند. بنابراین روز یکشنبه ما روز خداوند را جشن می‌گیریم و آنها به مقبره می‌روند و عیسی از مردگان قیام می‌کند. این رستاخیز است؛ عیسی مرد؛ او به زندگی برمی‌گردد، این رستاخیز است. عروج اتفاق نمی‌افتد - حالا آن درست حوالی زمان عید فصح بود. عید فصح - اما ۵۰ روز بعد آنها پنطیکاست را جشن می‌گیرند. پنته به معنی پنج، پنجاه روز بعد است که آنها پنطیکاست را جشن می‌گیرند. این عید پنطیکاست است که در اعمال رسولان فصل دوم به تجربه پنطیکاست تبدیل می‌شود. و درست در اعمال رسولان فصل اول، توصیف می‌کند که عیسی به آسمان می‌رود و سوار بر ابر به آسمان برمی‌گردد، سوار بر ابر و به آسمان بالا می‌رود. این عروج است. بنابراین شما رستاخیز را دارید، و سپس حدود پنجاه روز بعد عروج که عیسی به آسمان می‌رود. بنابراین رستاخیز و عروج، برخی از مردم آنجا ایستاده بودند، آمدن مسیح را دیدند، خداوند رستاخیز یافته را

دیدند. و وقتی رستاخیز و عروج عیسی را دیدند، این آمدن پادشاهی بود؛ آنها توانستند آن جنبه‌هایی از پادشاهی عیسی را ببینند که احتمالاً او در اینجا به آن اشاره می‌کند. همانطور که می‌دانید، در کلاسم یک چیزی هست که خیلی روی آن تأکید می‌کنم، و آن این است که زمینه، معنی را تعیین می‌کند، نه ریشه‌شناسی - تاریخ کلمه - بلکه زمینه، معنی را تعیین می‌کند. بنابراین، وقتی به آیه‌ای مانند این می‌رسیم که کمی مشکل دارد، حالا منظور شما چیست؟ اینکه «بعضی از شما تا آمدن پادشاهی را نبینید، نخواهید مرد» باید به زمینه نگاه کنید، متی فصل ۱۶ آیه آخرین آیه فصل ۱۶ است. فکر می‌کنم قبلاً این را در کلاس ذکر کرده‌ایم. ضمناً، آیا تقسیم‌بندی فصل‌ها در ۲۸ کتاب مقدس اصلی بوده است؟ پاسخ منفی است. تقسیم‌بندی فصل‌ها در قرن ۱۲ یا ۱۳، حدود ۱۲۰۰ میلادی، اضافه شده است. تقسیم‌بندی فصل‌ها، توسط یک اسقف انجام شده است. و دکتر مگری، که این داستان‌ها را تعریف می‌کند، می‌گوید که برخی فکر می‌کنند مگری در آن زمان زندگی می‌کرده است، اما این شخص، درست در حدود دهه ۱۹۰۰ به دنیا آمده است. دکتر مگری در مورد اسقفی می‌گوید که قصد داشت فصل‌های کتاب مقدس را حدود سال ۱۲۰۰ میلادی تنظیم کند، و او سوار بر اسب بود و گاهی اسب به جلو و گاهی به عقب خیز برمی‌داشت. اسقفی که تقسیم‌بندی فصل‌ها را انجام می‌داد، در آن زمان اشتباه می‌کرد. بنابراین اغلب اوقات باید در تقسیم‌بندی فصل‌ها دقت کنید. هر زمان که یک فصل را مطالعه می‌کنید، همیشه چند آیه قبل و چند آیه بعد از آن را مطالعه کنید تا ببینید آیا خود تقسیم‌بندی فصل در جای درستی که در قرن ۱۲ یا ۱۳ توسط یک اسقف انجام شده است، قرار دارد یا خیر. بسیاری از اوقات اشتباه می‌کرد.

متی ۱۶:۲۸ - تبدیل هیئت [۱۸:۲۹-۱۵:۲۱]

اما به هر حال، برگردیم به این فصل ۱۶:۲۸. پسر انسان را ببینید که در پادشاهی خود می‌آید، این آخرین آیه فصل ۱۶ است. فصل ۱۷ چگونه شروع می‌شود؟ فصل ۱۷ با تبدیل هیئت شروع می‌شود. با تبدیل هیئت شروع می‌شود. بنابراین «بعضی از شما» توجه کنید که او می‌گوید برخی از شما، نه همه شما، «پسر انسان را خواهید دید که در پادشاهی خود می‌آید.» و سپس درست بعد از آن می‌گوید که شما تبدیل هیئت را دارید. بنابراین از متن، برخی از مردم، از جمله خود من، پیشنهاد می‌کنند که ممکن است این تبدیل هیئت باشد که او در اینجا به آن اشاره می‌کند. آنها پسر انسان را تبدیل هیئت شده، موسی و الیاس را می‌بینند که نمایانگر نوعی پادشاهی دیگر هستند، او را در بدن تبدیل هیئت خود که نمایانگر پادشاهی آینده است. و بنابراین این سه شاگرد، پطرس، یعقوب و یوحنا، در آن زمان بینش دارند یا می‌توانند بخشی از پادشاهی را همانطور که در عیسی و موسی و الیاس تجسم شده بود و در کوه تبدیل هیئت ظاهر شدند، ببینند. بنابراین این آیه سه راه برای نگاه کردن و پاسخ دادن به آن از نظر این موضوع پادشاهی، جنبه‌های از پیش موجود، اما نه هنوز - دارد، بنابراین در درون شماسمت، اما هنوز قرار بود بیاید. تمام چیزی که من اینجا سعی دارم بگویم این است که پادشاهی آسمان یک مفهوم ساده نیست. در

واقع یک مفهوم پیچیده است. ظرافت‌های زیادی در آن وجود دارد و بنابراین باید از پیش بودن آن را درک کنید. در حال حاضر به اشکال مختلف اینجا است، اما پس از آن باید درک کنید که هنوز نیامده است. شکل هنوز نیامده نیز ظرافت‌های مختلفی دارد. بنابراین این یک چیز پیچیده است و این نوع توجه است - اگر بیش از حد بر از پیش بودن، پادشاهی اینجا، پادشاهی درون شما تأکید کنید و هنوز نیامده را نادیده بگیرید، بخش زیادی از امیدی را که قرار است بیاید از دست می‌دهید. از سوی دیگر، افراد دیگری را دارید - که بر از پیش بودن پادشاهی تأکید می‌کنند و بخش هنوز نیامده را نادیده می‌گیرند. آن افراد به دلیل اینکه کتاب مقدسی نیستند، دچار مشکل خواهند شد. همچنین، افراد دیگری را دارید که بر جنبه هنوز نیامده تأکید می‌کنند. بنابراین آنها کتاب می‌نویسند و همه این چیزها را در مورد پادشاهی که در راه است و زمان آمدن او و نحوه آمدنش می‌خوانند و سعی می‌کنند روزها و ساعت‌ها را حدس بزنند و سپس همیشه روی جنبه «هنوز نه» تمرکز می‌کنند، نه روی جنبه «هنوز نه». «آن افراد، یعنی «هنوز نه»، نیز گمراه هستند. من فکر می‌کنم باید تنشی بین جنبه «هنوز نه» و «هنوز نه» وجود داشته باشد، جایی که هر دو در آغوش گرفته شوند، به هم بچسبند و با یکدیگر متعادل شوند.

ح. مکان پادشاهی، از قبل و نه هنوز، اینجا/آنجا [۲۶:۱۴-۲۱:۱۵]

ج: ترکیب ح- ی: ۲۹:۲۲-۲۱:۱۵؛ پادشاهی اینجا و آنجا

مفاهیم پادشاهی که ما در اینجا به بررسی آنها ادامه می‌دهیم، یک مفهوم پیچیده است، نه یک مفهوم واحد و یکپارچه. وقتی به قوم یهود و چگونگی تصور آنها از مفهوم پادشاهی فکر می‌کنید، در گذشته، خروج فصل ۱۹، آیه ۶ می‌گوید: «شما برای من پادشاهی کاهنان خواهید بود.» و بنابراین اسرائیل این تصور را دارد که ملت اسرائیل تقریباً به یک کاهن برای بقیه بشریت تبدیل می‌شود، که «شما برای من پادشاهی کاهنان خواهید بود.» در زمان حال، لوقا این پادشاهی خدا را در درون شما مطرح می‌کند. بنابراین این نوع حضور از قبل در درون شما در لوقا، و سپس، با توجه به آینده، سلطنت آینده مسیح، در این شیر با بره دراز می‌کشد، و جنبه‌های مختلفی که در مورد پادشاهی آینده صحبت می‌کنند و آن را به طرق مختلف توصیف می‌کنند. بنابراین، یک مفهوم از قبل وجود دارد، اما هنوز نه. شما باید این را در نظر بگیرید زیرا این موضوع در درک پادشاهی خدا و اینکه چگونه پادشاهی خدا نزدیک است، و با این حال در حال آمدن است، و چگونگی درک تنش‌ها و کتاب مقدس با این موضوع، بسیار مهم است. و این پیچیده و زیباست.

حالا، بعضی‌ها می‌گویند که از قبل، اما نه هنوز، و این به زمان‌بندی مربوط می‌شود. از قبل «همین الان اینجا است»، نه هنوز «در آینده می‌آید. اما، من می‌خواهم کمی آن را تغییر دهم، فقط کمی آن را با جنبه‌ی اینجا و آنجا پادشاهی تغییر دهم. پادشاهی اینجا است و پادشاهی آنجا نوعی جنبه است. پادشاهی اینجا است و کاری که من می‌خواهم انجام دهم این است - وقتی جوان‌تر بودم، به پادشاهی فکر می‌کردم، انگار که ما روی ابرها شناوریم و دکتر متیسون هم این را توسعه می‌دهد. او می‌گوید: «من به مردم می‌گویم، من آنجا به بهشت نمی‌روم. بهشت

برای من همین پایین است.» او می‌گوید که شناور بودن در اطراف و ابرها، نواختن چنگ - چقدر کسل‌کننده است. بنابراین او یک مفهوم بسیار زمینی از پادشاهی دارد و من فکر می‌کنم این در کتاب مقدس بسیار جا افتاده است، اما چیزی است که ما به عنوان مسیحیان، اغلب اوقات همیشه پادشاهی را در ابرها، در آسمان، جایی در کیهان در نظر می‌گیریم. کتاب مقدس پادشاهی را به طور کامل توصیف می‌کند که روی زمین است. اینکه این پادشاهی است، که زمین تجدید می‌شود.

بنابراین می‌خواهم به برخی از این متون نگاهی بیندازم، جایی که کتاب مقدس در مورد این پادشاهی آینده صحبت می‌کند، اما همین امر را بر روی زمین نشان می‌دهد. و بنابراین، به عنوان مثال، در اشعیا فصل 2، او در مورد پادشاهی آینده صحبت می‌کند. اشعیا فصل 2، آیات 2 تا 4 می‌گوید: «در روزهای آخر، کوه معبد خداوند در میان کوه‌ها به عنوان بلندترین کوه‌ها برپا خواهد شد. بر فراز تپه‌ها و همه ملت‌ها برافراشته خواهد شد.» - این چیز ابراهیمی را که به همه ملت‌ها می‌رود، می‌بینید - «همه ملت‌ها به آن سرازیر خواهند شد. بسیاری از مردم خواهند آمد و خواهند گفت: بیایید، بیایید به کوه خداوند، به خانه خدای یعقوب برویم. او راه‌های خود را به ما خواهد آموخت، تا در راه‌های او گام برداریم.» شریعت از صهیون، کلام خداوند از اورشلیم صادر خواهد شد. او بین ملت‌ها داوری خواهد کرد و اختلافات بسیاری از مردم را حل و فصل خواهد کرد. آنها شمشیرهای خود را در گاوآهن و نیزه‌های خود را در قلاب‌های هرس خواهند کوبید.» این پادشاهی آینده است، جایی که شمشیرهایت را در گاوآهن می‌کوبید. گاوآهن به چه چیزی مربوط می‌شود؟ آیا ابرها را شخم می‌زنید؟ آیا مزرعه‌ای آسمانی را در آسمان شخم می‌زنید؟ نه، شمشیرتان را برمی‌دارید و آن را در گاوآهن قرار می‌دهید زیرا قرار است زمین را شخم بزنید. این روی زمین است. قرار است باغی پرورش دهید و محصولاتی از این قبیل داشته باشید. پس می‌بینید کاری که ما انجام می‌دهیم، بازآفرینی این مفهوم پادشاهی است، زیرا ما را به باغ عدن بازمی‌گرداند. بنابراین، در پیدایش 2، انسان‌ها روی زمین و باغ قرار می‌گیرند تا از باغ مراقبت و نگهداری کنند. و وقتی پادشاهی در کتاب اشعیا توصیف می‌شود، بسیار زمینی است. اگر بخواهید، بسیار باغی است. و بخش زیادی از کتاب مقدس در مورد بازگشت به عدن است. و این اشعیا 2: 2-4 است.

I.] ۲۹:۰۰-۲۶:۱۴ [اینجا - اشعیا در پادشاهی آینده

اگر به آیات 6 تا 7 از باب 9 کتاب اشعیا نگاهی بیندازید، می‌گوید: «زیرا برای ما فرزندی زاده شده است.» به محض اینکه این را می‌گویم، به تمام سروده‌های کریسمسی که از این موضوع ساخته شده‌اند، فکر می‌کنید.» و او بر تخت داوود سلطنت خواهد کرد.» دوباره، او پسر داوود است.» و بر پادشاهی او «پس این بر تخت داوود و پادشاهی اوست. شما اینجا هستید و این صحبت از پادشاهی است، چیزی شبیه به پسر داوود،» که آن را از آن زمان تا ابد با عدالت و پارسایی برقرار و حفظ خواهد کرد.» پس، پادشاهی در راه است و این پادشاهی داوودی بر عدالت و پارسایی تا ابد حکومت می‌کند و آن را برقرار می‌سازد. اشعیا فصل 9، آیات 6 تا 7. سپس

فصل ۱۱، اشعیا فصل ۱۱-- و بگذارید این یکی را کمی مفصل‌تر بخوانم، فصل ۱۱ آیات ۶ و بعد از آن متوجه می‌شوید، «گرگ با بره زندگی خواهد کرد.» پس حیوانات را دارید - حالا دوباره، آیا این ما هستیم که دوباره در ابری هستیم که چنگ‌هایمان را می‌نوازیم و در آسمان هستیم؟ نه، این درباره گرگ و بره صحبت می‌کند. آنها اکنون گرگ‌ها را دوباره به غرب آورده‌اند، بنابراین آنها در حال تکثیر هستند، بنابراین قرار بود گرگ‌های زیادی داشته باشیم." گرگ با بره زندگی خواهد کرد. پلنگ با بز خواهد خوابید. گوساله و شیر و بچه با هم و یک کودک آنها را رهبری خواهد کرد." خیلی جالب است. پس شما یک گرگ، یک شیر و یک کودک دارید که آنها را رهبری می‌کند. آیا این برای کسی زنگ خطری را به صدا در می‌آورد؟ شیری که کودکی او را هدایت می‌کند؟ آیا کسی وقایع‌نگاری نارنیا نوشته سی. اس. لوئیس را به خاطر دارد؟ آیا بخشی از آنچه او در مجموعه نارنیا از آنجا می‌سازد، این مفهوم پادشاهی است که از طریق چیزهایی مانند این واسطه می‌شود." گاو با خرس تغذیه می‌کند و بچه‌هایشان با هم دراز می‌کشند. شیر مانند گاو گاه می‌خورد. نوزاد نزدیک سوراخ کبرا بازی می‌کند و کودک خردسال دستش را در لانه افعی فرو می‌برد. آنها در تمام کوه مقدس من نه آسیبی خواهند رساند و نه چیزی را نابود خواهند کرد." افعی، شیر، گرگ، خرس - اینها حیوانات این زمین هستند.» در کوه مقدس من نه آسیبی خواهند رساند و نه چیزی را نابود خواهند کرد، زیرا زمین از شناخت خداوند پر خواهد بود، همانطور که آنها دریا را می‌پوشانند.» تصاویر بسیار زیبایی در آنجا وجود دارد که در مورد این زمین و تجدید آن به این روش‌های باورنکردنی صحبت می‌کند. در اشعیا فصل ۱۱، عبارات بسیار زیبایی وجود دارد.

ی. امید برای پادشاهی خدا در اینجا و آنجا [۲۹:۰۰-۲۹:۲۲]

بنابراین پادشاهی اینجاست و با این حال پادشاهی قرار است بیاید. بنابراین، پادشاهی - این یک مفهوم زیباست. امید شما کجاست؟ آن امید را چگونه تصور می‌کنید؟ اول یوحنا یک متن زیبا است و او می‌گوید: "کسانی که به بازگشت مسیح امید دارند." آنها چگونه واکنش نشان می‌دهند؟ "آنها خود را پاک می‌کنند، همانطور که او پاک است." بنابراین، به عبارت دیگر، این انتظار آمدن مسیح چیزی است که باعث می‌شود ما بیشتر شبیه مسیح باشیم. من در خانه‌ای با پدری بزرگ شدم که - من بیشتر عمرم را به یاد دارم که هر روز به پنجره خانه‌مان می‌رفت و می‌گفت: "می‌دانی، عیسی می‌تواند امروز برگردد." این زندگی او را تغییر داد. او تمام عمرش را در پرتو این واقعیت زندگی کرد. هفتاد و چهار سالی که زندگی کرد، در پرتو این واقعیت زندگی کرد که عیسی می‌تواند امروز برگردد. این تغییر او را تغییر داد، که زندگی او را پاک کرد. یادم می‌آید وقتی سرطان داشت او را از پا در می‌آورد، و می‌دانستم که واقعاً رو به پایان است و ما در خانه از او مراقبت می‌کردیم، و او به من گفت، گفت: «می‌دانی، تمام عمرم منتظر بازگشت مسیح بوده‌ام، و واقعاً حالا که من پیش او می‌روم، او پیش من نمی‌آید.» و این فقط چند روز قبل از مرگش بود. او فهمید که قرار است با مسیح باشد. بنابراین آن امید، آن امید

دگرگون‌کننده، که ما را تطهیر می‌کند». ما می‌دانیم که وقتی او را ببینیم، مانند او خواهیم بود، و او را آنطور که هست خواهیم دید. «این دگرگونی رخ خواهد داد، پادشاهی آینده

بنابراین، عیسی می‌گوید: «پادشاهی من از این دنیا نیست.» اما شما می‌گویید: «یک لحظه صبر کن، هیلدبرانت، تو در مورد این چیز خیلی دنیوی صحبت کردی.» حالا او در آن زمان می‌گوید که این دنیاپرستی، شهوت یا غرور زندگی و آن نوع چیزها، شهوت جسم نبود. چیز او، نه از این دنیا - از پدر می‌آید، و قرار است روی زمین باشد، اما نه از زمین - از آن نوع چیزها در یوحنا فصل ۱۶. بنابراین این اینجا بودن برای پادشاهی و یک آنجا بودن وجود دارد. پادشاهی قرار است بیاید. کتاب مکاشفه، پادشاهی را توصیف می‌کند که در حال نزول است، اورشلیم جدید که در حال نزول است و باغ عدن با درخت زندگی است که دوباره ظاهر می‌شود. بنابراین شما پادشاهی را در حال آمدن دارید، اما پس از آن پادشاهی نیز در اینجا وجود دارد. بنابراین اینجا و آنجا است. در حال حاضر هست، اما هنوز نیست. بنابراین شما این تنش‌ها را دارید و فوق‌العاده پیچیده و زیباست که مسیح با ما است - عمانوئیل. ما به بازگشت او و تأسیس پادشاهی‌اش به عنوان پسر داوود امیدواریم تا برای همیشه و تا ابد با عدالت و راستی حکومت کند. تمام بدی‌های این دنیا را بردار و آنها را درست کن. این مکان را طوری درست کن که آنطور که باید باشد، بجوشد. شیر با بره می‌خوابد. عدالت و راستی حکومت می‌کند. همه چیز برای یک بار در زندگی ما درست است. بنابراین ما به آن امیدواریم. ما به آمدن پادشاهی و انجام اراده او، چه بر روی زمین و چه در آسمان، امیدواریم.

برداشت ک. متی از زمان [۲۹:۳۲-۳۰:۳۵]

؛ 53:41-32:29؛ پیشگویی/تحقق در متی KP د: ترکیب

خب، حالا می‌خواهیم به جنبه‌ی دیگری از این موضوع بپردازیم و می‌خواهیم بگوییم - فقط یک مرور. داشتیم به جایی که بودیم برمی‌گشتیم. گفتیم داستان متیو، متی روشمند است. ما در مورد رابطه‌ی او با مرقس، رابطه‌اش با لوقا، پراکنده کردن و جمع کردن آنچه در لوقا است صحبت می‌کنیم. مرقس معجزات یا کارهای عیسی را می‌گوید، اما متی سخنان عیسی را می‌گوید. سپس شباهت آن را با کتاب یعقوب نشان دادیم. در مورد رسالت، شاگردی که متی از نظر هزینه‌ی شاگردی، از نظر شاگردان واقعی و دروغین، از نظر درک و اطاعت از عیسی، پیروی از راه او، تقلید از مسیح صحبت کردیم. در مورد الهیات مسیح، واقعیت الوهیت واقعی مسیح، عمانوئیل در کتاب متی، که به ما می‌آموزد که مسیح خداست و مسیح پادشاه است و با پسر داوود کار می‌کند، صحبت کردیم. حالا می‌خواهیم به زمان بپردازیم. ما قصد داریم گذشته، حال و آینده را در کتاب متی مطالعه کنیم. بنابراین می‌خواهیم در ادامه به سراغ زمان برویم و در نهایت به سمت جهت‌گیری عبری کتاب برویم. احتمالاً دفعه بعد این

کار را خواهیم کرد. گستردگی جنبه غیریهودی، همانطور که می‌بینید، به نوعی عبری است، اما از نظر بسیاری از چیزها غیریهودی نیز هست، آن عنصر را نشان خواهیم داد. شاهد کتاب، و در آخر، سبک نویسنده. بنابراین می‌توانید این نوع هجی کردن متی را اینجا ببینید، و ما فقط در حال بررسی آن هستیم.

چگونه در کتاب متی به زمان پرداخته شده است؟ برداشت متی از زمان چیست؟ اول از همه می‌خواهم به استفاده او از زمان در رابطه با گذشته نگاهی ببندازم. متی بیش از چهل بار از عهد عتیق نقل قول می‌کند. حداقل چهل بار، متی به عهد عتیق اشاره می‌کند. این یعنی تقریباً در هر فصل، تقریباً دو نقل قول از عهد عتیق وجود دارد. این تعداد زیاد است. متی بخش زیادی از عهد عتیق را در کتاب متی ارائه می‌دهد. بنابراین فقط می‌خواهم ادامه دهم و بگویم که متی قرار است در مورد تحقق پیشگویی‌های عهد عتیق و تحقق آنها در عهد جدید صحبت کند. ما فقط می‌خواهیم به رابطه بین پیشگویی و تحقق آن نگاه کنیم و کاری که می‌خواهیم انجام دهم این است که می‌خواهم بگویم، این پیشگویی چگونه در کتاب متی تحقق می‌یابد؟ چیزی که خواهیم دید این است که مفهوم تحقق نیز بسیار پیچیده است و همه آنها به یک شکل تحقق نمی‌یابند. این نیز تفاوت‌های ظریفی دارد، به این معنی که محیطی فوق‌العاده، غنی و رنگارنگ است. بنابراین به چه معنا عهد عتیق در کتاب متی «تحقق» یافته است؟ ما فقط می‌خواهیم برخی از این پیش‌بینی‌ها در مورد عیسی در عهد عتیق را مرور کنیم. بنابراین، نبوت و تحقق آن، مضمونی است که پیامبران چیزی را نبوت کرده‌اند و آیا اکنون شاهد تحقق آن در عیسی خواهیم بود و این همان چیزی است که در عهد جدید اتفاق می‌افتد.

ل. تحقق پیشگویی - تولد از باکره [۳۹:۰۲-۳۵:۳۰]

اول از همه، زایمان از باکره - اشعیا فصل ۷، آیه ۱۴، «اینک باکره‌ای آبستن شده پسری به دنیا خواهد آورد و نام او را عمانوئیل خواهی نهاد که به معنی «خدا با ماست» است.» «حالا خیلی جالب است، به عقب برمی‌گردیم و انواع و اقسام بحث‌ها در مورد «باکره‌ای آبستن خواهد شد» در کتاب اشعیا وجود دارد. معنای واقعی این عبارت این است که اشعیا و همسرش، یا اینکه یک دوگانگی در اینجا وجود داشته و نوعی باکره بزرگتر در آنجا بوده است. مریم، دوباره مریم، در متی ۱:۲۳، خیلی صریح است: «مریم یوسف را نمی‌شناخت» «شناخته شده» به معنای داشتن روابط جنسی است. بنابراین مریم باکره بود و پسری به دنیا می‌آورد و در واقع یوسف از این موضوع کمی ناراحت است. او با این زن نامزد کرده و ناگهان متوجه می‌شود که او باردار است. او متوجه می‌شود که او این کار را نکرده است، بنابراین حالا او - با مریم چه خواهد کرد؟ او را بی‌سروصدا طلاق دهید. او نمی‌خواست صحنه‌سازی بزرگی انجام دهد. فرشته می‌آید و می‌گوید: «یوسف، یوسف، آنچه در او متولد می‌شود از روح القدس است.» بنابراین تولد از باکره پیش‌بینی شده است و بنابراین شما این نوع پیش‌بینی و تحقق را دریافت می‌کنید. ضمناً، همانطور که در اشعیا بود، این موضوع کاملاً واضح نیست. در مورد اشعیا نیز اتفاقاتی افتاده است

که به این متن در آن زمان اشاره دارد، اما این برای یک دوره آموزشی عهد عتیق است. بهتر است دوره دکتر ویلسون در مورد انبیا را که در آن به اشعیا نبی و همچنین بسیاری از انبیای دیگر می‌پردازد، بگذرانید. حالا، بیت‌لحم - این یک پیشگویی جالب است. میکاه پیشگویی می‌کند که مسیح در بیت‌لحم در یهودیه متولد خواهد شد. اورشلیم حدود پنج مایل در شمال بیت‌لحم است. بیت‌لحم حدود پنج مایل در جنوب اورشلیم است. آنها شهرهایی هستند که ارتباط نزدیکی با هم دارند. منظورم این است که آنها از هم جدا هستند، اما نزدیک هستند. بیت‌لحم شهر بسیار کوچکی بود - به راحتی می‌توانست در کالج گوردون جا شود - در مقایسه با اورشلیم، شهر بسیار کوچکی است. بنابراین، من همیشه از مردم می‌پرسم: "می‌دانید، میکاه، هفتصد سال قبل از تولد عیسی، پیش‌بینی می‌کند که مسیح در بیت‌لحم متولد خواهد شد - چند نفر را می‌شناسید که در بیت‌لحم متولد خواهند شد؟" "خب، رک و پوست کنده بگویم، در طول قرن‌ها، افراد زیادی در بیت‌لحم متولد نشده‌اند و هیچ‌کدام از آنها خیلی مشهور نیستند. در واقع، احتمالاً فقط دو یا سه نفر را از بیت‌لحم می‌شناسید. شما می‌گویید: "خب، اگر در موردش فکر کنید، عیسی در بیت‌لحم متولد شد." "خب، عیسی آنجا به دنیا آمد، مشهورترین فردی که تا به حال به دنیا آمده آنجا به دنیا آمده است. اما بیت‌لحم شهر داوود بود، و در واقع بعد شروع می‌کنید به فکر کردن، "خب، داوود در بیت‌لحم به دنیا آمد و این یعنی جسی، پدرش، در بیت‌لحم به دنیا آمد، برادرش الیاب هم همینطور" و می‌گویید، "خب، من چند نفر را می‌شناسم - اوه، روت و نعومی و بوعز چطور؟ همه اینها هم در بیت‌لحم اتفاق می‌افتد،" درست است؟ "در مورد بوعز و روت و نعومی - الیملک و آن افراد - به یاد داشته باشید که امید روت و این چیزها در زمینه بیت‌لحم اتفاق می‌افتد. روت و بوعز پدر بزرگ و مادر بزرگ داوود هستند و داوود جد بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ بزرگ عیسی است. بنابراین، بیت‌لحم - ۷۰۰ سال بنابراین میکاه پیش‌بینی می‌کند که بیت‌لحم جایی خواهد بود که مسیح به دنیا خواهد آمد. عیسی در بیت‌لحم به دنیا آمد. بنابراین شما پیشگویی دارید و تحقق آن را دارید. نبوت و تحقق آن

تحقق پیشگویی - فرار به/از مصر [۲:۳۹-۲۷:۴۳]

حالا، نکته جالب این است که این یکی اینجا در متی ۲:۱۵ آمده است. و این، سپس، موضوع متفاوتی را مطرح می‌کند و اجازه دهید این را در متن خود در متی فصل ۲ برای شما بخوانم. در متی ۲:۱۵ آمده است: «پس برخاست و مادر و فرزندش را در شب برداشت و به مصر رفت و تا مرگ هیرودیس در آنجا ماند.» بنابراین او به مصر می‌رود و تا مرگ هیرودیس در آنجا می‌ماند. و بدین ترتیب آنچه خداوند به زبان پیامبر گفته بود، تحقق یافت: «پسر خود را از مصر فراخواندم»! این هوشع ۱۱:۱ است. طنز ماجرا این است که اگر به هوشع ۱۱:۱ برگردید - بگذارید آن را در متن خود برای شما بخوانم، و شما می‌گویید: «چطور این تحقق یافت؟» «خب، این هوشع فصل ۱۱، آیه ۱ بود. این را می‌گوید: «وقتی اسرائیل کودک بود، او را دوست داشتم.» پس در آنجا درباره چه کسی صحبت می‌شود؟ اسرائیل فرزند خدا بود و او می‌گوید: «وقتی اسرائیل کودک بود، من او را دوست

داشتم.» آیا کتاب هوشع را به خاطر دارید؟ خدا به هوشع گفت که با گومر از دواج کند، و گومر فاحشه بود. او به هوشع خیانت می‌کرد و هوشع قرار بود او را دوباره بخرد و دوباره او را دوست داشته باشد. سپس هوشع این فرزندان را دارد، لوامی، لوروحامه، و فرزندانش «بی‌رحم» و «قوم من نیستند.» بنابراین تمام این تراژدی از دواج در هوشع و سپس در هوشع می‌گوید: «وقتی اسرائیل کودک بود، من او را دوست داشتم و پسر خود را از مصر فراخواندم.» در هوشع 1:11، پسری که از مصر فراخوانده می‌شود کیست؟ این اسرائیل است. اسرائیل پسر خداست و خدا اسرائیل را از مصر فرا می‌خواند و سپس به آیه بعدی توجه کنید، ضمناً در متی ذکر نشده است، می‌گوید: «اما هر چه بیشتر اسرائیل را فراخواندم، آنها از من دورتر شدند و برای بعل‌ها قربانی کردند و برای.» بت‌ها بخور سوزاندند

آیا تا به حال در یک فروشگاه مواد غذایی بوده‌اید و والدینی را با فرزندانشان دیده‌اید که در فروشگاه از والدین خود فرار می‌کنند؟ هر چه بیشتر آنها را صدا می‌زنند، بیشتر فرار می‌کنند. خدا می‌گوید: «این همان چیزی است که با اسرائیل اتفاق افتاد. من آنها را از مصر بیرون کردم، پسر مرا اسرائیل صدا زدم و هر چه بیشتر آنها را صدا می‌زدم، بیشتر از من فرار می‌کردند.» راه حلی که من هنگام بردن فرزندانم به فروشگاه مواد غذایی پیدا کردم این است که آنها را در چرخ دستی قرار دهید. به این ترتیب آنها نمی‌توانند فرار کنند و دور شوند.

پسر مرا از مصر فراخواندم.» حال، این به چه معنا محقق شده است؟ در واقع هوشع در مورد فراخوانده شدن اسرائیل از مصر صحبت می‌کرد. پس چگونه این یک تحقق در کتاب متی است؟ ناگهان متوجه می‌شوید که تحقق اینجا دقیقاً پیش‌بینی نمی‌کند که عیسی این کار را انجام خواهد داد. منظور این است که عیسی نمونه‌ای از اسرائیل بود. عیسی اسرائیل بزرگتر است. همانطور که خدا پسرش، اسرائیل، را از مصر فراخواند، اکنون خدا پسرش، پسر خدا، را از مصر فراخواند. بنابراین عیسی در حال بازسازی و تکرار اسرائیل است. عیسی اسرائیل جدید است. وقتی اسرائیل از مصر بیرون آمد، خدا آنها را از مصر فراخواند و آنها به بیابان رفتند و خدا به آنها عهد داد و آنها در بیابان آن را خراب کردند. اکنون شما عیسی، اسرائیل جدید را دارید که از مصر بیرون می‌آید. اکنون اسرائیل جدید قرار است کار را درست انجام دهد. او قرار است به بیابان برود و وسوسه شود، اما پیروز خواهد شد. بنابراین عیسی اسرائیل جدید است. بنابراین، این دقیقاً یک پیشگویی تحقق‌یافته نیست. این یک پژواک یا گونه‌شناسی است. همانطور که برای اسرائیل بود، برای عیسی، اسرائیل جدید، نیز هست. بنابراین شما این توازی را بین اسرائیل و عیسی دارید. بنابراین تحقق بیشتر یک نوع نمونه در مقابل ضد نمونه است. چیزی که من می‌گویم این است که تحقق به این معنی است - گاهی اوقات یک پیامبر دقیقاً تحقق می‌بخشد که این پسر داوود خواهد بود و او برای همیشه حکومت خواهد کرد. در مواقع دیگر، تحقق بیشتر - همانطور که برای اسرائیل بود، برای عیسی نیز خواهد بود - بیشتر یک نوع توازی است.

ن. تحقق پیشگویی - ذبح نوزادان [۲۷:۴۳-۰۹:۴۷]

کشتار نوزادان - حالا این یکی خیلی جالب است. کشتار نوزادان در متی ۲:۱۸ - و بگذارید فقط به آنجا بپریم. متی ۲:۱۸ این را می‌گوید: «آنگاه آنچه از طریق ارمیای نبی گفته شده بود، به انجام رسید.» ارمیا چه گفت؟ صدایی در رامه شنیده شد، گریه و ماتم عظیم، راحیل برای فرزندانش گریه می‌کرد و تسلی نمی‌یافت زیرا آنها «دیگر نیستند.» این چگونه یک تحقق است؟ آنجا چه خبر است؟ اصلاً راحیل کیست؟ و او چه ارتباطی با بیت‌لحم دارد؟ آنچه شما اینجا اتفاق می‌افتد در واقع به پیدایش ۳۵:۱۹ برمی‌گردد. اساساً آنچه شما دارید این است که راحیل در خارج از بیت‌لحم می‌میرد. بنابراین آنها مقبره‌ای برای راحیل برپا کردند. مقبره راحیل هنوز تا به امروز آنجاست. فکر می‌کنم اعراب آن را منفجر کردند، اما فکر می‌کنم یهودیان آن را بازسازی کردند. اما بیرون از اورشلیم، بیرون از بیت‌لحم، همینطور که می‌آیید - اورشلیم اینجاست، ۸ کیلومتر جنوب بیت‌لحم، یک جاده اصلی وجود دارد که از مسیر تپه پایین می‌رود. این جاده از کنار اورشلیم و کنار بیت‌لحم می‌گذرد و بیرون از بیت‌لحم، روی این مسیر تپه، جایی است که راشل دفن شده یا گفته می‌شود دفن شده است. بنابراین اتفاقی که می‌افتد این است که راشل برای فرزندانش گریه می‌کند و چون آنها تسلی نمی‌یابند، تسلی نمی‌یابد. او به نوعی به عنوان قدیس حامی یا قدیس حامی بیت‌لحم شناخته می‌شود. بنابراین او درست بیرون بیت‌لحم است - این مقبره اوست. بنابراین او نوعی نگهبان بیت‌لحم است.

بنابراین آنچه اکنون اتفاق می‌افتد این است که شما می‌گویید: «خب، یک دقیقه صبر کنید وقتی به ارمیا فصل ۳۱ نگاه می‌کنید، این به کشتن نوزادان در زمان عیسی و هیرودیس اشاره نمی‌کند.» در ارمیا ۳۱:۱۵، به گریه راحیل برای فرزندانش که به همراه نبوکدنصر به بابل تبعید می‌شوند و اینکه چگونه او و بابلی‌ها در سال قبل از میلاد وارد می‌شوند و معبد را ویران می‌کنند، اشاره دارد. آنها اورشلیم را ویران خواهند کرد، معبد ۵۸۶ سلیمان، اولین معبد، را کاملاً با خاک یکسان خواهند کرد. بنابراین ارمیا به گریه راحیل برای فرزندانش که به تبعید می‌روند اشاره می‌کند. سپس آنچه شما دارید این است که متی این آیه را می‌گیرد و می‌گوید: «آیا می‌توانید پژواک مرگ راحیل را در بیرون بیت لحم در پیدایش ۳۵ بشنوید؟» «سپس به سراغ ارمیا می‌رویم که از گریه راحیل برای فرزندانش استفاده می‌کند، به عنوان فرزندانش که به تبعید می‌روند و توسط بابلی‌ها نابود می‌شوند، و اکنون همان آیه با عیسی تکرار می‌شود، که در زمان عیسی، راحیل دوباره برای فرزندانش گریه می‌کند، زیرا هیرودیس نوزادان زیر دو سال بیت لحم را می‌کشد. بنابراین شما این تکرار را از طریق کتاب مقدس از مرگ راحیل در بیت لحم تا تبعید با ارمیا تا عیسی و کشتن نوزادان می‌بینید. بنابراین به این معنا، به معنای یک پیشگویی، یک پیشگویی، که در طول تاریخ تکرار می‌شود، تحقق می‌یابد، که تاریخ خود را تکرار می‌کند. بنابراین شما شاهد وقوع همین اتفاق هستید - مرگ راحیل در آنجا، مرگ کودکان در آنجا در تبعید و گریه راحیل برای فرزندانش که به تبعید می‌روند و در نهایت، عیسی وقتی کودکان در بیت لحم می‌میرند، و بار دیگر راحیل گریه می‌کند.

O. دیدگاه یهودیت در مورد زمان [۴۷:۰۹-۵۸:۴۸]

بنابراین یک چیز جالب در کتاب مقدس وجود دارد. شما این نوع چرخه تکرار شونده را دارید، جایی که یک چیز بارها و بارها اتفاق می‌افتد. و سپس به آن تحقق می‌گویند، زیرا بارها و بارها اتفاق می‌افتد. بنابراین نوعی ماهیت دایره‌ای در آن وجود دارد، و حتی کتاب جامعه به این نکته اشاره می‌کند که اساساً اتفاقات رخ می‌دهند و سپس هیچ چیز جدیدی زیر علامت وجود ندارد، زیرا اتفاقات بارها و بارها رخ می‌دهند. در حالی که داماد من اغلب می‌گوید: "سبب خیلی دور از درخت نمی‌افتد." به عبارت دیگر، آنچه در یک نسل اتفاق می‌افتد در نسل بعدی اتفاق می‌افتد - سبب خیلی دور از درخت نمی‌افتد. یهودیت یک دیدگاه خطی دارد که تاریخ به پایان می‌رسد. بله، در چرخه‌های تکراری خود چرخه‌ای است، بنابراین مانند یک چرخه است. مانند مارپیچی است که به سمت چیزی می‌رود و یک پایان، یک سرنوشت وجود دارد. بسیاری از فرهنگ‌ها دیدگاه دایره‌ای نسبت به زمان دارند و اینکه همه چیز دایره‌ای، دایره‌ای، دایره‌ای است و شما به جایی نمی‌رسید. این در یهودیت یا مسیحیت صادق نیست. سرنوشتی وجود دارد. پایانی وجود دارد. پادشاهی‌ای در راه است که سرنوشت همه است. بنابراین در اینجا این پژوهاک، این تحقق پژوهاک را دارید. من فقط سعی می‌کنم اشاره کنم که این کلمه «تحقق» استفاده می‌شود - گاهی اوقات در یک تحقق مستقیم، پیشگویی و سپس تحقق. گاهی اوقات یک پیشگویی و سپس تحقق از نظر این است که اسرائیل چگونه بود، پس عیسی نیز چگونه است. نوعی مقایسه و این تحقق (نمونه/ضد نمونه) است. در اینجا شما یک تحقق از نظر این دارید که همانطور که در زمان ارمیا اتفاق افتاد، پس در زمان عیسی نیز اتفاق افتاد و این یک پژوهاک و پژوهاک از پیدایش تا ارمیا و تا عیسی است. بنابراین این پژوهاک گریه را حیل برای فرزندان وجود دارد.

پ. پیشگویی و تحقق آن در مزمور ۲۲ [۴۸:۵۸-۴۱:۵۳]

در اینجا چند پیشگویی دیگر وجود دارد و من نمی‌خواهم خیلی به جزئیات آنها بپردازم. در زکریا ۱۱:۱۲ به یهودا اشاره می‌شود که مسیح به سی سکه نقره خیانت خواهد کرد، و بنابراین متی این موضوع را از زکریا ۱۱ برداشت می‌کند. اینکه مردی که ارمیا به آن اشاره می‌کند، زمینی را به قیمت خیانت می‌خرد. بنابراین ارمیا این را پیش‌بینی می‌کند. سربازانی که قرعه می‌اندازند: این یک متن زیبا، واقعاً نه زیبا، بلکه تراژیک در مزامیر است. حالا مزامیر چه ربطی به این دارد که شما می‌گویید "یک لحظه صبر کنید، مزامیر واقعاً نبوی نیستند"، اما به یک معنا، تحقق در کتاب مزامیر اتفاق می‌افتد. بیایید ببینیم آیا می‌توانم این را اینجا بیاورم. بگذارید فقط مزامیر ۲۲، آیه ۱۸ را بخوانم. در مورد سربازانی که قرعه می‌اندازند صحبت می‌کند. بگذارید کمی قبل از آن به عقب برگردم. گاوهای نر بسیاری مرا احاطه کرده‌اند، گاوهای نر قوی باشان مرا احاطه کرده‌اند. شیرهای غران گوشت خود را می‌درند، طعمه خود را دریده‌اند، دهان خود را بر من گشوده‌اند. من مانند آب ریخته شده‌ام، تمام استخوان‌هایم از هم گسیخته شده‌اند «به این فکر کنید». من مانند آب ریخته شده‌ام. تمام استخوان‌هایم از هم گسیخته شده‌اند. قلبم به

موم تبدیل شده است. در درونم ذوب شده است. قدرت من مانند سفال خشک شده است. زبانم به سقف دهانم چسبیده است. مرا در خاک مرگ قرار داده‌ای. سگ‌ها مرا احاطه کرده‌اند، گروهی از مردان شرور مرا احاطه کرده‌اند. آنها دست‌ها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند. «به این فکر کنید. این داوود است، این مزمور ۲۲ است. داوود در حال نوشتن مزمور ۲۲ است و می‌گوید:» سگ‌ها مرا احاطه کرده‌اند، گروهی از مردان شرور مرا احاطه کرده‌اند. آنها دست‌ها و پاهایم را سوراخ کرده‌اند. می‌توانم تمام استخوان‌هایم را بشمارم. مردم به من خیره شده‌اند و از دیدن من خوشحال می‌شوند. لباس‌هایم را بین خود تقسیم می‌کنند و برای لباس‌هایم قرعه می‌اندازند. «این دقیقاً همان چیزی است که برای عیسی اتفاق افتاد. حالا چطور؟ آیا این داوود است؟ داوود پیامبری است که نبوت می‌کند - نبوت، تحقق بله، آیا داوود پیامبر است؟ نه، شما می‌گویید داوود، مزمور نویس شیرین اسرائیل است. داوود مردی است که مطابق قلب خود خداست و آیا خدا این را به داوود نشان داد؟ همانطور که او سرود را می‌خواند، در مورد مردمی که با خوشحالی او را احاطه کرده‌اند صحبت می‌کند. در آن به تمام استخوان‌های او و زبان‌هایش که به سقف دهانش چسبیده‌اند اشاره می‌شود. سپس او در مورد لباس‌هایش صحبت می‌کند - "آنها برای لباس‌هایش قرعه‌کشی کردند." آنها دست‌ها و پاهای او را سوراخ کرده‌اند. آیا این توصیفی از آنچه برای عیسی اتفاق می‌افتد است؟ بنابراین شما می‌پرسید: "آیا داوود این را فهمید؟" من نمی‌دانم داوود چه فهمیده است، اما تمام چیزی که می‌گویم اینجاست، دوباره، شما این تشابه را دارید که به نظر می‌رسد داوود چیزی را می‌بیند که قرار است هزار سال بعد اتفاق بیفتد. او حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است. او در تاریخ حدود هزار سال پیش را می‌بیند و مبارزه مسیح را در مبارزه خودش می‌بیند، اما سپس در مبارزه مسیح. اما سپس در مورد آن در سرود سوگواری می‌نویسد. او می‌گوید:» دست‌ها و پاهایم سوراخ شده‌اند. برای لباس‌هایم قرعه‌کشی کرده‌اند. زبانم به سقف دهانم چسبیده و مردم مرا احاطه کرده‌اند. «مزمور ۲۲ چگونه شروع می‌شود؟ اینطور شروع می‌شود. به محض اینکه آن را بگویم، آن را خواهید شناخت.» خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟ «مزمور ۲۲ اینگونه شروع می‌شود. سپس عیسی، همانطور که روی صلیب است، می‌گوید:» خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟ «مردم نمی‌توانند صدای او را بشنوند زیرا احتمالاً زبانش به سقف دهانش چسبیده است و نمی‌تواند چیزها را درست تلفظ کند و فکر می‌کنند که او الیاس را صدا می‌زند. آنها می‌گویند:» بیایید صبر کنیم و ببینیم که آیا الیاس می‌آید یا نه.» «ایلو ایلو لما سبقتنی.» آنها فکر می‌کنند که او ایلیا را فرا می‌خواند تا بیاید و او را نجات دهد. با این حال، کاری که او انجام می‌دهد این است که به مزمور ۲۲ اشاره می‌کند. او این مرثیه مزمور ۲۲ را می‌خواند.» خدای من، خدای من، چرا مرا رها کردی؟ «داوود، مردی که پیرو قلب خود خداست، این را بیان می‌کند. هزار سال پیش، عیسی وقتی روی صلیب است، آن را به عنوان یک تحقق بیان می‌کند. چطور می‌توان گفت؟ عیسی در واقع آن را تحقق می‌بخشد و داوود هزار سال قبل آن را احساس کرده و این توصیف را نوشته است که بسیار باورنکردنی است.

س. تأثیر عهد عتیق بر متی [۴۱:۵۳-۲۶:۵۶]

؛ 68:40-53:41 متی و عهد عتیق؛ حال و آینده QT ه. ترکیب

بنابراین متی این موارد را از عهد عتیق انتخاب می‌کند. در کتاب متی ۴۰ نقل قول از عهد عتیق وجود دارد. متی، دوباره، متوجه منظور ما هستی؟ یهودی بودن کتاب متی، در بسیاری از نقل قول‌ها و اسنادهای عهد عتیق دیده می‌شود. بیش از هر جای دیگر و او واقعاً چیزهای زیادی از عهد عتیق استخراج می‌کند و اهمیت ارتباط کلیسا و اسرائیل را برجسته می‌کند. این واقعاً مهم است. متی در حال نوشتن انجیل عیسی مسیح است و چه کاری انجام می‌دهد؟ او در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ او در مورد تحقق عهد عتیق به طرق مختلف صحبت می‌کند - انواع روش‌های مختلفی که تحقق اتفاق می‌افتد. متی این را توصیف می‌کند. دکتر ویلسون، در کتاب خود، *پدر ما ابراهیم*، که متنی کلاسیک است، کلیسایی را که از کتاب رومیان در فصل‌های ۹ و بعد از آن بیرون می‌آید، توصیف می‌کند که کلیسا به درخت زیتون پیوند زده شده است. درخت زیتون اسرائیل است و کلیسا به آن درخت زیتون پیوند زده شده است. این یک شاخه وحشی است. بنابراین می‌توانید اینجا را ببینید. در اینجا کلیسای اولیه شروع به کار می‌کند.

متی نویسنده‌ی بزرگی است که دو بار از کلمه‌ی «کلیسا» استفاده می‌کند. دیگر نویسندگان انجیل زیاد از عهد عتیق نقل قول نمی‌کنند. متی از کلیسا نام می‌برد، اما این ارتباط را نیز نشان می‌دهد. احتمالاً یهودیانی که متی برایشان می‌نویسد، آنها نیز از خود می‌پرسند که «آیا ما مسیحی هستیم یا یهودی؟» در کلیسای اولیه واقعاً با این موضوع مشکل داشتند. آیا ما فقط یک فرقه‌ی جدید مانند فریسیان، صدوقیان و ناصری‌ها هستیم؟ آیا اکنون ناصری‌ها، فرقه‌ی دیگری از یهودیت، هستیم؟ یا این چیزی جدید و متفاوت است؟ بنابراین این سوال هویت وجود دارد که کلیسای اولیه با آن دست و پنجه نرم می‌کرد، از نظر اینکه چگونه یهودیت آنها به کلیسا راه یافته است. سپس متی نشان می‌دهد که کلیسا در یهودیت ریشه دارد و عهد عتیق پایه و اساسی است که عیسی زندگی خود را بر آن بنا کرد. واقعاً مهم است که به یاد داشته باشیم که عیسی یهودی بود. عیسی یهودی بود. حواریون یهودی بودند. پولس یهودی بود. درک یهودیت اولیه برای درک آنچه در زندگی عیسی، پولس و حواریون می‌گذرد، واقعاً مهم است. دکتر فیلیپس، در گوردون، یهودیت اولیه را مطالعه کرده است و در واقع این مطالعه، پایه و اساس مهمی برای درک مسیحیت در روزهای اولیه آن است، زمانی که سعی در کشف آن داشت. رابطه بین مسیحیت و یهودیت اکنون چیست؟ بنابراین، من فکر می‌کنم متی بخشی از آن پیشینه غنی، موتیف تحقق رنگارنگ و زیبای عهد عتیق را ارائه می‌دهد و بنابراین متی به گذشته روی می‌آورد.

داستان ر. متی: حال - پنج گفتار [۵۶:۲۶-۵۱:۵۸]

حال، فعلاً، متی به پنج گفتار عیسی می‌پردازد. ما قبلاً در مورد این صحبت کرده‌ایم. این پنج گفتار واقعاً مهم هستند. متی کل کتاب خود را حول این پنج گفتار بنا کرده است. اول از همه، موعظه بالای کوه: سه

صفحه، اگر کتاب مقدس با حروف قرمز داشته باشید. این سه صفحه با حروف قرمز است - عیسی در حال تعلیم دادن است. فصل ۱۰: مأموریت دوازده نفر، جایی که عیسی دوازده نفر را می‌فرستد و به آنها می‌گوید که بروند و انجیل را به ملت یهود آنجا برسانند و به آنها می‌گوید که انواع مقاومت‌ها را به طرق مختلف خواهند یافت. بنابراین این مأموریت دوازده نفر در متی ۱۰ است.

تمثیل‌های پادشاهی، و فکر می‌کنم حدود هفت تمثیل در فصل ۱۳ وجود دارد که در آن عیسی تمثیل بذرها، و تمثیل علف‌های هرز، و تمثیل یازده دانه خردل و تمثیل‌های مختلف دیگر را توصیف می‌کند. فصل ۱۸ در مورد فروتنی و بخشش، در مورد کلیسا - تأدیب کلیسا است. اگر در کلیسا تأدیب دارید و بین دو نفر اختلاف دارید، آن شخص باید به صورت تک نفره با شخص صحبت کند و ببیند که آیا می‌تواند مشکل را حل کند. اگر او به صحبت‌های تک نفره گوش نمی‌دهد، دو یا سه نفر را انتخاب می‌کنید و حالا دو یا سه نفر را دارید که برمی‌گردند و با آن شخص روبرو می‌شوند و می‌بینند که آیا می‌توانند آن را حل کنند. اگر او به صحبت‌های دو یا سه نفر گوش نمی‌دهد، آن را به کل کلیسا می‌برید. اگر او به صحبت‌های کلیسا گوش نمی‌دهد، آن شخص را تکفیر می‌کنید. بنابراین این تأدیب کلیسا در آنجا و همچنین فروتنی و بخشش در آن جنبه‌ها در آنجا شرح داده شده است.

در فصل‌های ۲۲ تا ۲۵، عیسی را در مورد فریسیان می‌بینید. او فریسیان را ریاکار توصیف می‌کند و می‌گوید: «شما بیرون فنجان را تمیز می‌کنید، اما داخل فنجان با تمام این تفاله‌های قهوه که هفته‌ها آنجا بوده‌اند، تغییر شکل داده است.» اما سپس عیسی به کاتبان و فریسیان حمله می‌کند. آنها از هر چیزی یک دهم می‌گیرند، سپس به مردم می‌گویند «به پدر و مادر خود احترام بگذارید»، اما بعد شما می‌گویید چرا نمی‌توانند ارث را به مادران و پدران خود بدهند، من نمی‌توانم از آنها مراقبت کنم زیرا آن را به خدا اختصاص داده‌ام. بنابراین، شما از والدین خود مراقبت نمی‌کنید. عیسی این ریاکاری را افشا می‌کند. سپس زیتون گفتمان در مورد آخرالزمان است. بنابراین، وقتی به آینده می‌پردازیم، به زیتون گفتمان برمی‌گردیم که دو فصل عالی است که عیسی در مورد آینده صحبت می‌کند.

داستان متی: آینده - تمثیل‌ها و اشعیا [کلیسا] [۵۱:۵۸-۴۲:۴۲]

حالا که صحبت از آینده شد، شروع می‌کنیم. تمثیل‌های پادشاهی - چگونه رشد خواهد کرد؟ ما شاهد رشد تمثیل پادشاهی هستیم و - ببینید کمی به این موضوع از نظر آینده و نحوه توصیف آن نگاه کنیم. آیا تمثیل مستاجران شرور را در متی فصل ۲۱ به خاطر دارید؟ متی می‌گوید که کشاورز زمین خود را به این مستاجران قرض می‌دهد. این مستاجران کشاورزان سهمبر هستند. قرار است مقداری اجاره بها به او بپردازند. بنابراین کشاورز ملک خود را به این مستاجران اجاره می‌دهد و قرار است آنها برای استفاده از زمینش به او پول بدهند. سپس او تعدادی از خدمتکاران خود را برای جمع‌آوری اجاره بها می‌فرستد و چه اتفاقی می‌افتد؟ آنها افرادی را که برای جمع‌آوری اجاره بها می‌روند، کتک می‌زنند. در واقع آنها برخی را کتک می‌زنند و برخی دیگر را می‌کشند.

بنابر این سرانجام ارباب، کشاورز، می‌فرستد: «خب، آنها به پسر احترام خواهند گذاشت». وقتی کوچکتر بودم به من آموخته بودند که تمثیل‌ها بسیار رایج هستند زیرا همیشه اتفاق می‌افتد. آنها بسیار واقع‌بینانه هستند. آیا این واقع‌بینانه است؟ منظورم این است که اگر می‌گفتید کشاورز هستید و ملکی را اجاره داده‌اید و خدمتکارانتان را فرستاده‌اید و آنها برخی از خدمتکاران شما را کتک زده و کشته‌اند، آیا پسران را تنها می‌فرستید تا با این مستاجران روبرو شود؟ این دیوانگی است. اما با این حال، این نشان دهنده رحمت و شفقت عظیم خداوند است. او پسرش را می‌فرستد و وقتی پسر را می‌بیند با پسرش چه می‌کنند، می‌گویند: «هی، بیایید پسر را بکشیم و ملک را بگیریم. ما ارث را خواهیم برد. این به خوبی ارث ماست». بنابراین کاری که آنها انجام می‌دهند این است که پسر را می‌کشند و سپس می‌پرسند: «آن ارباب با آن مستاجران چه خواهد کرد؟» او وارد می‌شود و آنها را نابود می‌کند. گریه و دندان قروچه وجود خواهد داشت. مثل مستاجران، کشتن پسر و دزدیدن ارث را توصیف می‌کند. این تضاد، مثلی است که می‌گوید: «حتی فریسیان به نظر می‌رسد برخی از این مثل‌ها را دریافته‌اند و فهمیده‌اند که آنها استفاده می‌کند. *ekkelesia* چه بوده‌اند و در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد». متی تنها انجیلی است که از کلمه *اکلسیا* اصطلاح یونانی است: *یک* به معنای «بیرون از» (است، مانند) خروج. «سپس *کلسیا* به معنای فراخوانده شده» (است، بنابراین *اکلسیا* به معنای «فراخوانده‌شدگان» است. بنابراین کلیسا کسانی هستند که به اجتماع فراخوانده می‌شوند تا یک اجتماع جدید تشکیل دهند، *اکلسیا* یک اجتماع فراخوانده شده است که به منظور اجتماع جدا شده است. متی اشاره می‌کند: «تو پطرس هستی، که بر تو بنا خواهم کرد... چه چیزی را؟ *اکلسیا* [کلیسا]. آنچه اتفاق می‌افتد این است که متی در آینده به بیرون نگاه می‌کند و این اجتماع جدید را که کلیسا است توصیف می‌کند. *اکلسیا*، «فراخوانده‌شدگان» یک اجتماع جدید را تشکیل می‌دهند.

وقتی کلیسا شخصی را تکفیر می‌کند، در متی ۱۷:۱۸ می‌گوید: بنابراین، متی به تنهایی از *اکلسیا* [کلیسا] نام می‌برد. بنابراین، این، باز هم، بسیار آینده‌نگر است زیرا به آنچه که هنگام قیام مسیح از مردگان در کتاب متی اتفاق می‌افتد، نگاه می‌کند. گوسفندان و بزهایی که قبلاً در مورد آنها صحبت کردیم تا پایان عصر و عدالت در پایان عصر را توصیف کنند. بنابراین متی بسیاری از چیزهای آینده را توصیف می‌کند. ما درباره ده ساقدوش صحبت کردیم: پنج نفر عاقل بودند، پنج نفر احمق. پنج نفر روغن داشتند و پنج نفر دنبال روغن می‌گشتند. ارباب می‌آید و به آنها اجازه ورود داده نمی‌شود. نکته این است که آماده باشید. نکته این است که برای آمدن ارباب آماده باشید.

آینده‌ی ت. متی -- گفتمان زیتون [۶۲:۴۲ - ۶۸:۴۰]

بنابر این متی به آینده نگاه می‌کند و من می‌خواهم به گفتمان زیتون و برخی از جزئیات آینده در اینجا نگاهی بیندازم. فکر می‌کنم این گفتمان زیتون واقعاً بسیار جالب است. در متی ۲۴ و ۲۵ یافت می‌شود. می‌خواهم

فقط چند چیز را اینجا بخوانم. عیسی در ۲: ۲۴ می‌گوید: عیسی معبد را ترک کرد و در حال رفتن بود که شاگردانش نزد او آمدند تا توجه او را به ساختمان‌های آن جلب کنند. اکنون هیروودیس معبد دوم را گسترش داده بود. به یاد داشته باشید که در زمان یوشع، زروبابل در زمان نحمیا، آنها معبد دوم را ساختند، اما واقعاً کوچک بود و هیروودیس آمد و معبد را به بنایی باشکوه تبدیل کرد و بازسازی آن 30 تا 40 سال طول کشید. هیروودیس معبد را به این چیز بسیار زیبا و عظیم تبدیل کرد. عیسی گفت که این معبد را در عرض سه روز ویران خواهد کرد و آن را برپا خواهد کرد. اینها برخی از اتهاماتی بود که آنها علیه او به کار می‌بردند. آنها واقعاً به معبد علاقه‌مند بودند این چیزی بود که آنها واقعاً به آن افتخار می‌کردند. عیسی می‌گوید که قرار است به او نشان دهند و توجه او را به تمام این ساختمان‌ها جلب کنند. او پرسید: «آیا همه این چیزها را می‌بینی؟» «حقیقت را به شما می‌گویم، حتی یک سنگ اینجا روی سنگ دیگر نخواهد ماند. همه فرو خواهند ریخت. این اتفاق در واقع در سال ۷۰ میلادی رخ داد، زمانی که ژنرال تیتوس از روم می‌آمد و تیتوس اورشلیم را نابود می‌کرد. او معبد را می‌گرفت، معبد را با خاک یکسان می‌کرد. معمولاً وقتی جایی را تصرف می‌کنید، چه می‌کنید؟ در دنیای باستان وقتی شهری را تصرف می‌کردید، شهر را به آتش می‌کشیدید، ساکنان آن را می‌کشیدید و شهر را با خاک یکسان می‌کردید. شما شهر را کاملاً تصرف نمی‌کنید. کار زیادی است. شما شهر را به آتش می‌کشید، مردم را می‌کشید و سپس آن را ترک می‌کنید. آن را به صورت ویرانه رها می‌کنید. در اینجا، هر سنگی برداشته شده است. و در واقع تا به امروز، اگر به اورشلیم بروید و به حفاری‌های دیوار جنوبی بروید، درست در جنوب جایی که دیوار ندره یا دیوار غربی قرار دارد، اگر حدود صد یارد بروید، حفاری‌های دیوار جنوبی را خواهید دید. آنجا می‌توانید سنگ‌هایی را ببینید که حدود ۷۰ فوت پرتاب شده و افتاده‌اند، سنگ‌ها از بالای کوه معبد هل داده شده و به پایین افتاده‌اند. وقتی آنها به پایین افتادند، به جاده‌های رومی افتادند. یک جاده رومی در امتداد کف آنجا امتداد دارد، و وقتی این سنگ‌ها افتادند - این سنگ‌ها حدود ۸ فوت طول، ۸ فوت عرض و برخی ۵ یا ۶ فوت ارتفاع دارند - اینها تخته سنگ‌های عظیمی هستند - و وقتی این تخته سنگ‌ها ۷۰ فوت سقوط می‌کنند، یعنی کلی ضربه به جاده‌های رومی وارد می‌کردند و آنها را سوراخ می‌کردند. جاده‌های رومی به طرز باورنکردنی‌ای ساخته شده‌اند. این سنگ‌ها آن جاده را سوراخ کردند و تلی از سنگ‌ها روی معبد بودند که درست همانطور که عیسی گفته بود، به پایین پرتاب شده بودند. بنابراین عیسی این پیش‌بینی را اینجا در گفتمان زیتون انجام داد.

حالا منتقدان کتاب مقدس باید از شر دو چیز در کتاب مقدس خلاص شوند. منتقدان نمی‌توانند در کتاب مقدس بمانند. آنها به این چیزها حمله خواهند کرد: ۱. معجزات. عیسی روی آب راه می‌رود. پطرس روی آب راه می‌رود. عیسی مردی را که نابینای مادرزاد بود شفا می‌دهد. آنها نمی‌توانند معجزات را بپذیرند. موسی دریای سرخ را باز می‌کند و بنی‌اسرائیل از آن عبور می‌کنند. آنها نمی‌توانند معجزات را بپذیرند، بنابراین باید از شر معجزات خلاص شوند و آنها را به عنوان افسانه یا اسطوره توضیح دهند، زیرا چه کسی به تنهایی می‌تواند معجزه

کند؟ فقط خدا می‌تواند معجزه کند. آنها می‌گویند: «هیچ معجزه‌ای وجود ندارد زیرا همه چیز باید از نظر علمی» توضیح داده شود و همه چیز باید طبیعی باشد

نکته دیگری که منتقدان باید از شر آن خلاص شوند این است که چه کسی به تنهایی می‌تواند آینده را پیشگویی کند؟ فقط خدا می‌تواند پیشگویی کند و ۷۰۰ سال قبل از تولدش بگوید که در بیت لحم یهودیه متولد خواهد شد. فقط خدا می‌تواند این کار را انجام دهد. ۷۰۰ سال قبل از زمان، فقط به این فکر کنید. ۷۰۰ سال زمان زیادی برای پیشگویی است. این پیشگویی‌ای است که عیسی می‌کند: اینکه هر سنگی به پایین پرتاب شود. عیسی چه زمانی می‌میرد؟ عیسی حدود ۳۲ سال پس از میلاد می‌میرد. چه زمانی معبد ویران می‌شود؟ نه تا ۴۰ سال یا ۳۸ سال بعد. بنابراین عیسی این پیش‌بینی را می‌کند تا منتقدان بتوانند از شر آن خلاص شوند. آنها چه کار می‌کنند؟ آنها استفاده می‌کنند که به معنی "پیشگویی پس از" (یا بعد از) *vaticinium post eventum* از تکنیکی به نام رویداد "است. پس از رویداد پیشگویی می‌کنند. چیزی که آنها می‌گویند این است که عیسی واقعاً این پیشگویی را نکرده است. این پیشگویی توسط متی یا یکی از شاگردانش انجام شده و دوباره از زبان عیسی گفته شده است. بنابراین، متی پس از تخریب معبد می‌نویسد: آنها این «پیشگویی» را دوباره از زبان عیسی بیان کردند. بنابراین، این یک پیشگویی نیست زیرا پس از وقوع و از زبان عیسی بیان شده است. ضمناً، آیا این چیزی است که کتاب مقدس می‌گوید؟ نه، کتاب مقدس می‌گوید عیسی این را ۳۸ سال قبل از وقوع آن گفته است. او پیش‌بینی کرد که همه سنگ‌ها پرتاب خواهند شد و دقیقاً همین اتفاق افتاد. این واقعاً شگفت‌انگیز است. متی به این اشاره می‌کند. اینکه هر سنگی هنگام ورود به گفتمان زیتون به پایین پرتاب خواهد شد و دوباره آینده به آنها می‌گوید، بنابراین آینده آنها را با یکی از آسیب‌زاترین وقایع یهودیت آغاز می‌کند. سپس تخریب معبد دوم توسط تیتوس در سال ۷۰ میلادی رخ می‌دهد. تیتوس وارد می‌شود و مکان را با خاک یکسان می‌کند. ضمناً، معبد دوم در سال ۷۰ میلادی ویران شد. تا به امروز هیچ معبد یهودی در آنجا وجود ندارد و شما در برنامه «گمشده در اورشلیم» بوده‌اید یا اگر در اسرائیل بوده‌اید، می‌دانید که قبه الصخره زیارتگاهی در کوه معبد است. اکنون در بالای کوه، زیارتگاهی وجود دارد

پنجم. سخنانی در کوه زیتون - پیامبران دروغین و آزار و اذیت [72:59-68:40]

؛ ۴۰:۶۸-۰۳:۷۸ پایان؛ حواریون، بازگشت مسیح X-V ف: ترکیب

بنابراین، این هم چیزی است که می‌گوید؛ عیسی درباره مسیح‌های دروغین و پیامبران دروغین صحبت می‌کند و نشانه‌ها و معجزات بزرگی انجام می‌دهند تا حتی برگزیدگان را فریب دهند. و بنابراین او می‌گوید که در آخرالزمان، مسیح‌های دروغین و معلمان دروغین - پیامبران دروغین - خواهند آمد که نشانه‌ها و معجزات انجام خواهند داد. این شخص در واقع کارهای باورنکردنی انجام خواهد داد. آنقدر که حتی برگزیدگان نیز فریب خواهند خورد. به عبارت دیگر، مردم از خود خواهند پرسید، آیا این خداست؟ آیا این عیسی است؟ آیا این پیشرو بازگشت عیسی است؟ این افراد کارهای بسیار شگفت‌انگیزی انجام می‌دهند. آنها نشانه‌ها و معجزات انجام می‌دهند. آیا این

نشانه‌ها و معجزات از جانب خدا هستند؟ عیسی به مردم هشدار می‌دهد و این را می‌گوید. آنها نشانه‌هایی انجام خواهند داد که اگر چنین چیزی ممکن بود، برگزیدگان را فریب می‌داد. سپس شما برای آزار و اذیت و اعدام تسلیم خواهید شد. این گفتمان چگونه مسیحیان را در آخرالزمان توصیف می‌کند؟ عیسی می‌گوید یکی از چیزهایی که باید بدانید این است که مسیحیان مورد آزار و اذیت و اعدام قرار خواهند گرفت.

از شما می‌پرسم: در کدام نسل، مسیحیان بیشتری نسبت به سایر نسل‌ها جان خود را از دست داده‌اند؟ این نسل همین الان است. مسیحیان در سراسر جهان کشته می‌شوند و من می‌دانم که در آمریکا ما در خانه‌های مجلل خود نشسته‌ایم و همه چیز آزاد است زیرا ما آزادی مذهب داریم. اما می‌توانید ببینید که آزادی مذهب در برخی موارد توسط دولت خودمان و در موارد دیگر توسط نیروهای خارج از کشور ما، مانند کسانی که سعی در نفوذ و انجام کارهایی دارند که تأثیرات منفی واقعی بر مسیحیت خواهد داشت، مورد حمله و سرکوب قرار می‌گیرد. بنابراین این چیزی است که گفته می‌شود در آینده در راه است: آزار و اذیت، حتی مرگ. این انجیل پادشاهی در تمام جهان موعظه خواهد شد. نشانه آخرالزمان چیست؟ این همان است: و این انجیل پادشاهی در تمام جهان موعظه خواهد شد، سپس پایان فرا خواهد رسید. اگر با مترجمان کتاب مقدس و یکلیف آشنا باشید، این یکی از بزرگترین گروه‌های تبلیغی است که به نظر من وجود دارد. کاری که این مترجمان کتاب مقدس و یکلیف انجام می‌دهند این است که اساساً کتاب مقدس را به تمام زبان‌های دنیا ترجمه می‌کنند. من دوستی به نام جوئل هارلو دارم که به اندونزی رفته است - و بسیاری از این گروه‌های قبیله‌ای زبان خودشان را دارند، اما آن زبان هرگز نوشته نشده است. بنابراین آنها نمی‌دانند چگونه زبان خودشان را بنویسند. بنابراین مترجمان کتاب مقدس و یکلیف - آنها با موسسه زبان‌شناسی تابستانی و اینجا در کالج گوردون مرتبط هستند، یکی از بزرگترین زبان‌شناسان تمام دوران، شخصی به نام کنت پایک. ما حتی برنامه پایک را اینجا در گوردون داریم که به نام او نامگذاری شده است. اما او در آموزش مترجمان کتاب مقدس و یکلیف و نحوه رمزگشایی زبان‌ها و این گروه‌های قبیله‌ای برای نوشتن آن برای آنها و سپس آموزش آن به آنها و آموزش نحوه خواندن زبان خودشان، نقش داشت تا بتوانند کتاب مقدس را به زبان خودشان بخوانند. در اینجا آمده است که انجیل پادشاهی در تمام جهان موعظه خواهد شد و پایان فرا خواهد رسید. مترجمان کتاب مقدس و یکلیف همین الان در حال ترجمه کتاب مقدس به تمام زبان‌های دنیا هستند. یادم رفته چند تا هست - کلی کار مونده که باید انجام بدن، اما دارن به ترجمه‌اش به همه زبان‌های دنیا نزدیک می‌شن.

آنگاه مکروه ویرانی‌ها را که دانیال نبی از آن سخن گفته است، خواهید دید) «فصل ۲۴، آیه ۱۴. (این) مکروه ویرانی چیست؟ شما می‌گویید»: خب هیلدبرانت، تو ما را مجبور کردی که کتاب مکابیان را با شرکت در این کلاس بخوانیم «بله، واقعاً. و در آنتیوخوس اپیفانیس - سلوکیان را به یاد بیاورید - به یاد قربانی کردن خوک‌ها بر روی قربانگاه‌ها. او مجسمه‌ای از خودش برپا کرد و مردم را در کوه معبد به پرستش آن واداشت. بسیاری از مردم فکر می‌کنند که این ضد مسیح، یا هر طور که ما این شخص را تصور می‌کنیم، قرار است تصویری از خودش برپا کند و مردم را به سجده در برابر آن وادارد - که این مکروه ویرانی است. این انسانی است که نیاز به

پرستش از سوی دیگران دارد و آنچه را که در آن منطقه مقدس است، نجس می‌کند. بنابراین در آنجا نیز از مکروه ویرانی صحبت می‌شود.

و هیچ کس از روز و ساعت آن آگاه نیست [۷۶:۵۱-۷۲:۵۹]

و این یکی. این هم کمی جالب است: «هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند، حتی پسر» - متی ۲۴:۳۶. سال گذشته ظاهراً شخصی در حال اردو زدن بود و سال گذشته، ۲۰ مه ۲۰۱۱، پیش‌بینی کرد که عیسی در ۲۰ مه ۲۰۱۱ باز می‌گردد. خب، بدیهی است که ما الان در سال ۲۰۱۵ هستیم، پس آن شخص آن را از دست داده و بنابراین به نوعی آیا او یک پیامبر دروغین است؟ بله، و بعد این اتفاق می‌افتد که «اوه، من فقط اشتباه محاسبه کردم» (و او می‌رود و سپس مجبور می‌شود دوباره محاسبه کند. عیسی چه می‌گوید؟ هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند - اگر کسی به شما بگوید که روز یا ساعت را می‌داند، کتاب مقدس به صراحت چه می‌گوید؟ کتاب مقدس می‌گوید: «هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند.» اگر کسی به شما بگوید که روز و ساعت را می‌داند، حتی پسر هم آن را نمی‌داند.

یک لحظه صبر کنید؟ من فکر می‌کردم عیسی خداست، عیسی همه چیز را می‌داند. از شما می‌پرسم: وقتی عیسی به دنیا آمد، آیا عیسی می‌دانست که چگونه به زبان عبری صحبت کند؟ وقتی هشت روز از رحم مادرش گذشت، آیا او عبری را کاملاً صحبت می‌کرد؟ نه. عیسی مجبور بود عبری را درست مثل هر کس دیگری یاد بگیرد. آیا او زبان آرامی را یاد می‌گرفت، یونانی را یاد می‌گرفت و هر زبان دیگری که احتمالاً حداقل دو یا سه زبان آرامی و یونانی و سپس احتمالاً زبان‌های دیگر را می‌دانست. عیسی باید این را یاد می‌گرفت. او یک انسان بود و به عنوان یک انسان، عیسی از نظر آنچه می‌دانست محدود بود و گفت: «فقط پدر این را می‌داند.» فقط پدر روز و ساعت را می‌داند.

بنابراین فکر می‌کنم این به ما هشدار می‌دهد. اگر عیسی می‌گوید: «حتی پسر هم این را نمی‌داند»، پس باید کمی در مورد گفتن «این روز یا ساعت است» محتاط باشیم. هر زمان که کسی در مورد پیش‌بینی زمان بازگشت مسیح خیلی دقیق می‌شود، بسیار محتاط باشید. من فکر می‌کنم این حماقت است. من فکر می‌کنم هر کسی می‌خواهد عیسی قبل از مرگش برگردد. من فکر می‌کنم باید در مورد حدس و گمان‌هایی که منجر به گمانه‌زنی می‌شوند، مراقب بود. این برای مسیحیت سالم نیست. تمرکز ما باید بر انجام اراده پدر باشد. و اراده پدر چیست؟ دو چیز. خدا را با تمام قلب خود دوست داشته باش، همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش. عیسی دو فرمانی را که تمام شریعت پیامبران بر آنها استوار است، بیان کرد: خداوند، خدای خود را با تمام قلب و روح و ذهن خود دوست داشته باش و همسایه‌ات را مانند خودت دوست داشته باش.

این یک پیش‌بینی است که ما عاشقش هستیم، دو نفر در یک مزرعه خواهند بود، یکی برده می‌شود و دیگری جا می‌ماند. آیا آن «جا مانده» را اینجا دوست دارید، یعنی متی ۲۴:۴۰. آیا کسی مجموعه «جا مانده»

را که تیم لاهی نوشته، خوانده است؟ آنها اساساً با انجام این نوع گمانه‌زنی‌ها در مورد بازگشت مسیح، میلیون‌ها دلار درآمد کسب کرده‌اند. باید در مورد این نوع خیال‌پردازی مراقب باشید. نکته این است که یکی در مزارع خواهد بود و دیگری جا می‌ماند. نکته این متن این است که برای آمدن مسیح آماده باشید.

مشکل این است که این نسل تا زمانی که همه این چیزها محقق نشود، از بین نخواهد رفت. متی 24: 30-
 چیست، "این نسل که از بین خواهد رفت چیست؟ آیا منظور نسل است که انجیل را در حال گسترش به تمام 34 جهان می‌بیند؟ بنابراین در مورد این چیزها سوالاتی وجود دارد. هر نسل که باشد، آخرین نسل است. و بنابراین عیسی لزوماً نمی‌گوید "این نسل که در آن زندگی می‌کند" بلکه نسل را می‌گوید که در مورد آن صحبت می‌کند، زمانی که همه این وقایع اتفاق می‌افتد: مکروه ویرانی‌هایی که دانیال از آنها سخن گفته است؛ گسترش انجیل به تمام جهان؛ این نسل از بین خواهد رفت. این نسل پایان را خواهد دید.

دهم. نتیجه‌گیری [78:03-76:51]

بنابراین این پایان پادشاهی خداست که می‌خواستیم در مورد آن صحبت کنیم. سپس در مورد زمان سپری شده، ادغام با عهد عتیق، زمان حال، پنج گفتمان عیسی و آینده صحبت کردیم، در مورد پادشاهی آسمان و اساساً گفتمان کوه زیتون صحبت کردیم و اینکه عیسی به آنها آموخت که هیچ کس روز یا ساعت را نمی‌داند و ما باید آماده باشیم. مانند پنج ندیمه خردمند، ما باید برای بازگشت مسیح آماده باشیم.

دفعه‌ی بعد به عبری بودن کتاب متی و برخی از ویژگی‌های ادبی‌تر کتاب خواهیم پرداخت. سپس درباره‌ی گستردگی زبان عبری و شهادت و سبک که چهار نکته‌ی آخر در کتاب متی هستند صحبت خواهیم کرد. از توجه شما متشکرم و روز خوبی داشته باشید.

رونویسی توسط دیو کلمر

ویرایش توسط بن بودن

راف ویرایش توسط تد هیلدبرانت